

سنة الفجر



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه مشاوره

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

عنوان:

بررسی رابطه بین ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی کارکنان متاهل اداره های دولتی شهر شیراز

پژوهشگر:

فردین قربانی

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا رجبی

استاد مشاور:

دکتر رضا خجسته مهر

بهمن 1389

تقدیم به:

همسر م:

که با همکاری خود امکان این پژوهش را فراهم نمود.

،

دو نوگل زندگی م:

محمد مهدی و فاطمه

و تقدیم به تمام کسانی که به نوعی در پی افزایش کارآیی خانواده و کاهش اختلافات خانوادگی هستند.

سپاس و قدر دانی

این پژوهش حاصل بیش از ده ماه تلاش است. در این راه از یاری و مساعدت افرادی بهره برده ام که مایلیم از تمامی آن ها تشکر و قدردانی کنم.

- استاد ارجمند و پرتلاش جناب آقای دکتر غلامرضا رجبی، استاد راهنمای پایان نامه که از هیچ گونه لطف و مساعدتی دریغ نورزید و همواره سعی در انتقال و تسهیل مطالب به اینجانب را داشته اند.
- استاد ارجمند و گرانقدر جناب آقای دکتر رضا خجسته مهر استاد مشاور پایان نامه.
- استانداری فارس که در انجام این پژوهش هماهنگی های لازم را انجام دادند.
- اداره های دولتی شهر شیراز که در انجام هر چه بهتر این پژوهش همکاری های لازم را با اینجانب به عمل آوردند.

و کلیه دوستان و همکارانی که در اجرای هر چه بهتر و دقیق تر این پژوهش با اینجانب همکاری داشته اند.

چکیده پایان نامه

نام خانوادگی: قربانی	نام: فردین
عنوان: بررسی رابطه بین ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی، هوش هیجانی با کیفیت زندگی کارکنان متاهل اداره های دولتی شهر شیراز.	
استاد راهنما: دکتر غلامرضا رجبی	استاد مشاور: دکتر رضا خجسته مهر
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: مشاوره
گرایش: مشاوره خانواده	
دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی	
تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن 89	
کلید واژه ها: ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی، هوش هیجانی، کیفیت زناشویی، کیفیت زندگی.	
چکیده	
<p>هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی، هوش هیجانی با کیفیت زندگی در کارکنان متاهل اداره های دولتی شهر شیراز می باشد. در این پژوهش 250 کارمند متاهل (125 مرد و 125 زن) با روش نمونه گیری تصادفی ساده از بین کارکنان اداره های دولتی شهر شیراز انتخاب شدند و به پرسشنامه های ایدئولوژی نقش های جنسیتی بروگان و کاتر، نقش های زناشویی محقق ساخته، هوش هیجانی شاته و کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی پاسخ دادند. ویژگی های روانسنجی ابزارهای مورد استفاده همگی رضایت بخش بودند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون ورود نشان می دهد که از بین متغیرهای پیش بین (ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی) فقط متغیر نقش های زناشویی پیش بینی کننده متغیر ملاک (کیفیت زندگی) به حساب می آید، در صورتی که دو متغیر دیگر مشارکتی در پیش بینی متغیر ملاک ندارند.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	تقدیر و تشکر
أ	فهرست مطالب
ه	فهرست جداول

فصل اول: موضوع تحقیق

2	مقدمه
4	نظریه کیفیت زناشویی لویز و اسپانیر
5	عوامل مرتب با کیفیت زناشویی
5	الف. ویژگی های شخصیتی
7	ب. عوامل ارتباطی
8	ج. عوامل بیرونی در رابطه
9	بیان مسأله
11	اهمیت و ضرورت پژوهش
12	هدف پژوهش
12	سوال های پژوهش
13	تعاریف مفهومی متغیرها
14	تعاریف عملیاتی متغیرها

فصل دوم: پیشینه تحقیق

16	چارچوب نظری مفاهیم.....
16	ایدئولوژی جنسیتی.....
17	عوامل موثر بر ایدئولوژی های جنسیتی.....
19	دیدگاه های نظری در مورد نقش های جنسیتی.....
19	دیدگاه نقش های جنسیتی.....
20	دیدگاه جنسیتی.....
22	2- نقش های زناشویی.....
23	نظریه های نقش زن.....
24	مدل تعارض نقش.....
26	تقسیم نقش ها و مسئولیت ها.....
26	موانع گسترش نقش زن در جامعه.....
27	ایدئولوژی جنسیتی زوجینی که هر دو آن ها شاغل اند.....
27	مراقبت از کودک و تقسیم کار خانواده.....
29	نظریه نقش اجتماعی اگلی.....
29	ادراک نقش.....
31	نقش های خانواده.....
31	نگرش مردان نسبت به نقش زنان.....
32	3- هوش هیجانی.....
33	نظریه های هوش هیجانی.....

33.....	نظریه سالوی و مایر.....
34.....	نظریه گلمن و بویاتزیس.....
35.....	نظریه وکسلر درباره هوش هیجانی.....
35.....	نظریه گاردنر.....
36.....	نظریه های دیگری درباره هوش هیجانی.....
36.....	تحقیقات انجام شده در کشورهای دیگر.....
36.....	ایدئولوژی جنسیتی و سازگاری زناشویی.....
37.....	ایدئولوژی جنسیتی و بهزیستی.....
38.....	ایدئولوژی جنسیتی و کیفیت زناشویی.....
39.....	نقش های زناشویی و کیفیت زناشویی.....
41.....	هوش هیجانی و کیفیت زناشویی.....
43.....	تحقیقات انجام شده در ایران.....

فصل سوم: روش پژوهش

45.....	طرح کلی پژوهش.....
45.....	جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری.....
46.....	ابزارهای پژوهش.....
46.....	مقیاس ایدئولوژی نقش جنسیتی.....
47.....	پرسشنامه نقش های زناشویی.....
49.....	پرسشنامه هوش هیجانی شاته (EIS).....
51.....	مقیاس فرم کوتاه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL).....

52.....روش های آماری.....

فصل چهارم: یافته های پژوهش

53 یافته های پژوهش

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

64 بحث در نتایج.....

64 یافته های اصلی

69..... محدودیت ها و پیشنهادهای

71..... منابع

72 منابع فارسی.....

74 منابع لاتین.....

89..... پیوست ها

فهرست جداول

- 3-1. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ایدئولوژی های جنسیتی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 46.
- 3-2. ضرایب روایی همزمان بین پرسشنامه ایدئولوژی نقش جنسیتی با پرسشنامه ایدئولوژی های نقش جنسیتی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 47.
- 3-3. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) پرسشنامه نقش های زناشویی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 48.
- 3-4. ضرایب روایی همزمان پرسشنامه نقش های زناشویی با پرسشنامه نقش های زنانه و مردانه در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. 48.
- 3-5. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) پرسشنامه هوش هیجانی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 50.
- 3-6. ضرایب روایی همزمان پرسشنامه هوش هیجانی با مقیاس هوش هیجانی برادبری و گریوز در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 50.
- 3-7. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مقیاس فرم کوتاه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 51.
- 3-8. ضرایب روایی همزمان پرسشنامه کیفیت زندگی با پرسشنامه رضایت زناشویی رجبی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت. ص، 52.
- 4-1. میانگین ها، انحراف های معیار و مقادیر t -test زنان و مردان در متغیرهای ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی. ص، 55.
- 4-2. ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای مورد مطالعه در کل نمونه (250 نفر). ص، 56.
- 4-3. ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای مورد مطالعه در مردان (125 نفر). 57.
- 4-4. ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای مورد مطالعه در زنان (125 نفر). ص، 58.

- 4-5. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل واریانس رگرسیون ورود کیفیت زندگی توسط ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی در کل نمونه. ص، 59.
- 4-6. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل واریانس رگرسیون ورود کیفیت زندگی توسط ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی در مردان. ص، 60.
- 4-7. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل واریانس رگرسیون ورود کیفیت زندگی توسط ایدئولوژی های جنسیتی، نقش های زناشویی و هوش هیجانی در زنان. ص، 61.

فصل اول:

موضوع تحقيق

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه و به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی که فرد تجربه زندگی را در آن کسب می کند همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان علوم انسانی و به ویژه روانشناسان، جامعه شناسان و مشاوران قرار گرفته است. امروزه روانشناسان و محققان خانواده درمانی، خانواده را همانند ارگانیزم زیستی دارای یک سازمان منسجم و یکپارچه می دانند. آنها اعتقاد دارند که خانواده نیز به عنوان یک کل یا تمامیت با ساختار، قوانین و اهداف، کارکرد و عملکرد معینی دارد (نوابی نژاد، 1383).

برقراری ارتباط مؤثر در واحد زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که ساخت خانواده و الگوهای مراوده ای موجود در آن از ارتباط زن و شوهر شکل گرفته است و نحوه برون سازی و تطابق این واحد دو نفری با تغییرات آتی سیستم خانواده، ارتباطات اعضای دیگر (فرزندان) با یکدیگر و کارآیی خانواده را تحت تأثیر قرار خواهند داد. اپشتاین، بالدوین، بیشاپ¹ (1983) هفت بعد برای کارآیی خانواده در نظر گرفته اند که عبارتند از: حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزشی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی. این ابعاد با عواملی مانند چگونگی تقسیم وظایف بین اعضاء، قدرت برنامه ریزی برای انجام وظایف، تعیین مرزها و نقش ها برای اعضاء، منطقی بودن وظایف و نقش ها برای اعضاء، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، ارتباط صریح، اعتماد متقابل، مسئولیت پذیری، ابراز عواطف به یکدیگر و غیره مربوط می باشند.

در واقع عوامل چندی می تواند کیفیت زناشویی و روابط بین زوجین را تحت تأثیر قرار دهد که یکی از آن ها ایدئولوژی های جنسیتی² است، تفاوت جنسی در رابطه بین ایدئولوژی های جنسیتی و کیفیت زناشویی می تواند تا حدی برای زنان کمتر سنتی تقاضای بیشتری برای قدرت تصمیم گیری، درخواست از شوهر برای دریافت کمک در وظایف خانه، و تعامل بیشتر در بحث و امور خانواده به حساب آید (هوچسچیلد³، 1989، به نقل از اکسو و لای⁴، 2004). بنابراین وقتی که تعارض های زناشویی رخ می دهد، زنان با سبک های سنتی کمتر به آسانی نمی توانند به امتیازاتی دست پیدا کنند. از طرف دیگر، شوهران با سبک های سنتی کمتر سطوح بالایی از کیفیت زناشویی را گزارش می دهند. این کیفیت بالا ممکن است به خاطر این باشد که آنها در فرایند تصمیم گیری با همسرشان بیشتر بحث و گفتگو می کنند و در مجموع آنها

¹ - Epstein , Baldwin , & Bishop

² - gender ideology

³ - Hochschild

⁴ - Xu , & Lai

ممکن است در جهت انجام کارهای عادی و روزمره خانواده بیشتر کمک کنند (هوچسچیلد، 1989، به نقل از اکسو و لای، 2004). اکسو و لای (2004) معتقدند که مشارکت بیشتر شوهران در کارهای عادی و روزمره خانه نه تنها کیفیت زناشویی زنان را افزایش می دهد بلکه برای مردان نیز مناسب است. زیرا از یک سو مردان در کارهای عادی و روزمره خانواده (خانه) بیشتر درگیر می شوند، که نشانه درک هیجانی عمده (معنی دار) و حمایت نقش است. که شاید، به طور منظم به زوجین کمک کند که در وظایف و کارهای خانه خود را مانند یک تولید کننده، معنی دار و باارزش درک کنند. از طرف دیگر، مشارکت بیشتر به همدلی و صمیمیت زناشویی بیشتر و تعارضات نقش کمتر منجر خواهد شد. در این رابطه، تراکسل¹ (2006) معتقد است که هرچند کیفیت زناشویی دارای یک ساختار پویا است ولی نوساناتی در طول زمان، خصوصا در اولین سال های ازدواج دارد. کیفیت زناشویی مانند کیفیت روابط مردمان که در هر زمان می تواند تغییر کند یک مفهوم پویاست (لارسون و هلمن²، 1994).

ویلکاکس و نوک³ (2006) در بررسی کیفیت زناشویی زنان و سرمایه گذاری های هیجانی مردان در ازدواج دریافتند که تعهد زنان و مردان در اهداف بنیادی درباره ازدواج و رضایت زنان از تقسیم وظایف خانواده از حساسیت بیشتری برخوردار است. همچنین آن ها نشان دادند که عملکرد هیجانی مردان در زندگی تعیین کننده بسیار مهمی در کیفیت زناشویی زنان است.

موریس و کارتر⁴ (2000) بر این نکته تاکید دارند که کیفیت و وضعیت ازدواج، تلویحات بسیاری درباره نقش های والدینی، بهداشت روانی و جسمی و رضایت شغلی به همراه دارد. همچنین، یک ازدواج رضایتمندانه زمینه ساز فضای مناسبی جهت تلاقی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین است. پژوهشگرانی مانند بریست، فیتنس و کلارک⁵ (2001)، به نقل از تیرگری، اصغرنژاد فرید، بیان زاده و عابدین، (1385) معتقدند که سازه هوش هیجانی یا لاقل برخی از جنبه های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توأم با سازگاری و رضایت مطلوب و باثبات را داراست. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضایتمندی بیشتری همراه است، و افرادی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی⁶ پایین، رضایتمندی زناشویی بیشتری را تجربه می کنند (اسکات، مالوف، بابلیک، کاستون، گریسون⁷ و همکاران، 2001). محققان

¹ - Troxel

² - Larson, & Holman

³ - Wilcox, & Nock

⁴ - Morris, & Carter

⁵ - Brissette, Fitness, & Clark

⁶ - emotional intelligence

⁷ - Schutte, Malouff, Bobik, Coston, Greeson, et al

اصطلاحات متداولی برای توصیف کیفیت زناشویی به کار می برند که شامل رضایت زناشویی¹ (برادبری، فینچام و بیچ²، 2000)، سازگاری زناشویی³ (لاک و والاس⁴، 1959؛ اسپانیر⁵، 1976) و بهزیستی زناشویی⁶ زناشویی⁶ است (وروف، داوان، ارباچ و آکتلی⁷، 1998). لویز و اسپانیر⁸ (1979) اصطلاحات زیادی برای توصیف کیفیت زناشویی به کار برده اند که شامل سازگاری، رضایت، خشنودی، یکپارچگی و تعهد است.

گلن⁹ (1998) دو مورد از رویکردهای عمده اندازه گیری کیفیت رابطه را شناسایی کرده است؛ نگاه کردن به احساسات شخصی درباره مردم در یک رابطه (داوری ارزشی از شادی یا رضایت) و نگاه کردن به رابطه شخصی شان (بررسی و آزمایش) و الگویی از تعامل، از قبیل مقدار و نوع تعارض و ناسازگاری.

نظریه کیفیت زناشویی لویز و اسپانیر

در نظریه کیفیت زناشویی لویز و اسپانیر (1979) پیشنهاد کرده اند که کیفیت زناشویی و سازگاری زناشویی در روابط زناشویی مهم هستند. مفهوم و معنی اصلی نظریه لویز و اسپانیر (1979) برای اولین ازدواج مهم است و نه برای ازدواج های مجدد. از این رو، کیفیت زناشویی به عنوان ارزیابی ذهنی از رابطه زوجین متأهل تعریف شده است. در حالی که سازگاری زناشویی در دوره هایی از انعطاف و پایداری در رابطه تعریف شده است؛ بنابراین یک ازدواج پایا ازدواجی است که تنها به وسیله مرگ یکی از زوجین خاتمه یافته باشد. در نظریه کیفیت و پایداری ازدواج ها، لویز و اسپانیر (1979) معتقدند که کیفیت زناشویی مطابق با نظر آن ها به عنوان یک پیشگویی کننده قوی برای سازگاری زناشویی است. اگر کیفیت درون ازدواج پایین باشد، به عنوان مثال، تصمیم گرفتن برای پایان دهی رابطه تقدم دارد، علاوه بر این اگر کیفیت درونی درباره رضایت از رابطه بالا باشد، سازگاری زناشویی به خوبی بالا خواهد بود.

1 - marital satisfaction

2 - Bradbury , Fincham , & Beach

3 - marital adjustmenet

4 - Locke, & Wallace

5 - Spanier

6 - marital well-being

7 - Veroff , Douvan, Orbuch, & Acitelli

8 - Lewis, & Spanier

9 - Glenn

لویز و اسپانیر (1979) معتقدند که جاذبه های گوناگون و فشارهای خارجی در متأهل ماندن و بر کیفیت و ثبات رابطه تأثیر دارد. جاذبه های گوناگون شامل دوستی و عشق هستند. در صورتی که نمونه هایی از فشارهای بیرونی درون دادهای هنجاری، انتظارات خانواده و اضطرارها هستند (لویز و اسپانیر، 1979).

عوامل مرتبط با کیفیت زناشویی

الف. ویژگی های شخصیتی.

1- جنسیت. تفاوت های بسیاری بین دیدگاههای زنان و مردان درباره کیفیت روابطشان مشاهده شده است. به عنوان مثال، لوکسلی¹ (1980) گزارش کرده است که زنان در رابطه شان به دلیل نارضایتی و ناامیدی بیشتری که ابراز می کنند ویژگی های ارتباطی شان مانند مردم دیگر نیست و به عنوان یک زوج شباهت کمی به هم دارند و توسط ناسازگاری های زناشویی بیشتر آشفته می شوند. از سوی دیگر، ممکن است ناشی از این احساس باشد که حرف یکدیگر را درک نمی کنند و همسرشان باید افکار و احساساتشان را بیشتر ابراز کنند.

هیتون و بلاک² (1999) بحث کردند که چون مردان و زنان نقش های متفاوتی دارند و جنبه های متفاوتی از روابطشان را می بینند (مانند تقسیم کار، نقش والدینی و صمیمیت جنسی)، آن ها خودشان را به طور متفاوتی ارزیابی می کنند. آن ها همچنین اشاره کردند که ادراکات زنان از کیفیت رابطه دقیق تر از مردان خواهد بود چون آن ها بر رابطه تأکید بیشتری دارند.

2- عوامل شخصیتی. تحقیق نسبتاً کمی درباره تأثیرات عوامل شخصیتی روی کیفیت زناشویی انجام شده است. با این وجود بیان کرده اند که این عوامل نسبت به عوامل دیگر ممکن است اهمیت بیشتری داشته باشد، به عنوان مثال، راسل و ولز³ (1994) معتقدند که نوروتیک⁴ گرایب اشخاص می تواند یک تأثیر

¹ -Locksley

² -Heaton, & Blake

³ - Russell, & Wells

4- neurotic

منفی روی کیفیت زناشویی که توسط همسرانشان تجربه می شود داشته باشد (راسل و ولز، 1994). کولین، هاستون و هوتس¹ (2000) معتقدند که اضطراب تاثیر منفی زیادی روی فرایندهای ارتباطی مانند تعاملات و رضایت زناشویی دارد. همچنین آن ها نشان می دهند که، سستی دلبستگی به طور مستقیم و غیرمستقیم با تجربه کردن سطوح بالایی از ناراضی زناشویی همبستگی دارد (داویلا²، برادبوری و فینچام، 1998).

کلی و کونلی³ (1987) دریافتند که مردانی که از روابطشان بیشتر ناراضی اند، به برونگرایی اجتماعی پایین تر و سازگاری کمتری تمایل دارند. آن ها همچنین اشاره کردند که الگوهای ارتباطی درهم گسیخته و تغییر رفتار در زوجین ممکن است به دلیل ویژگی های شخصیتی آن ها باشد. به عنوان مثال، ویژگی شخصیتی خصومت در نگرش های بدگمانی، غرور و تمایل به نشان دادن خشم و عمل پرخاشگرانه نهادینه شده است. نیوتن و کیکولت - گلاسر⁴ (1995) دریافتند که خصومت بالاتر در طی سال های اولیه ازدواج با کاهش زیادتری در کیفیت زناشویی زنان و شوهران همراه است. آن ها اظهار داشتند که تعاملات ناسازگار عاملی برای کاهش رضایت زناشویی در اوایل ازدواج هستند.

ریچارد، واکفیلد و لیواک⁵ (1990) دریافتند که همسانی در شخصیت های همسران یک عامل مهم در دستیابی و تقویت رضایت زناشویی است. کوردک⁶ (1991) نشان داد که تفاوت ها در ویژگی های شخصیتی منجر به تعارض درونی ازدواج و منجر به پریشانی زناشویی می گردد. ارتباط برقرار کردن مناسب، گفتگو کردن و حل تعارض به صورت دوستانه ویژگی های پایدار هستند که موجب رسیدن یک فرد به ازدواج می شود (جانسون و بوت⁷، 1998).

3- **سلامت روانی**. خرسندی زناشویی ارتباط بسیار قوی ای با سلامت روانی دارد. کوردک (1998) نشان داد که افسردگی تاثیر منفی بر ازدواج دارد و منجر به کاهش کیفیت زناشویی می شود. دهلی و ویس⁸ (1998) دریافتند که کیفیت زناشویی پایین پیشگویی کننده قوی تری برای افسردگی بعدی (خصوصا برای زنان) است و همچنین نمره های افسردگی بالاتر پیشگویی کننده قوی تری برای کاهش کیفیت زناشویی در سه ماه بعدی زندگی است. همچنین، اختلال های اضطرابی از قبیل فوبی ها، اختلال های وحشتزدگی و

1 - Caughlin, Huston, & Houts

2 - Davila

3 - Kelly, & Conley

4 - Newton, & Kiecolt-Glaser

5 - Richard, Wakefield, & Lewak,

6 - Kurdek

7 - Johnson, & Booth

8 - Dehle, & Weiss

اضطراب تعمیم یافته با کیفیت زناشویی پایین تر همبسته اند (مک لیود¹، 1994).

4- **سلامت جسمی**. بورمن و مارگولین² (1992) نشان دادند که بین رضایت زناشویی و مشکلات سلامتی رابطه وجود دارد. کاهش در سلامتی می تواند با کاهش در کیفیت زناشویی همراه باشد، که منجر به کاهش درآمد، تغییر در تقسیم کار، فعالیت های مشترک کمتر یا رفتارهای مشکل دار می شود (بوت و جانسون، 1994).

5- **کودکی و والدینی**. سوء رفتار در دوران کودکی و فقر والدینی از طریق میانجیگری عواملی مانند تعارض زناشویی می توانند بر کیفیت زناشویی تاثیر گذار باشد. کلی و کونلی (1987) گزارش کردند که جنبه هایی از محیط اجتماعی از قبیل بی ثباتی روانشناختی و نزدیکی هیجانی قابل ملاحظه پیشگویی کننده های قوی تری از کیفیت زناشویی در زنان هستند.

6- **وضعیت اجتماعی - اقتصادی و استخدام**. رضایت از سبک زندگی، کار و جایگاه های اجتماعی - اقتصادی منجر به سطوح بالایی از رضایت زناشویی می گردد (لویز و اسپانیر، 1979). لارسون، ویلسون و بلی³ (1994) مشاهده کردند که فشار و ناامنی کاری می توانند عملکرد زناشویی افراد را تحت تاثیر قرار دهند. کونگر، الدر، لورنز، کونگر، سیمونز⁴ و همکاران (1990) دریافتند که فشار اقتصادی به طور غیرمستقیم غیرمستقیم کیفیت زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد.

کینونن و پولکینن⁵ (1998) نتیجه گیری کردند که عدم استخدام با رضایت زناشویی رابطه ندارد اما اما با افسردگی و روابط استرس زا که از پیش بین های کیفیت زناشویی پایین هستند همبسته است.

ب. عوامل ارتباطی

1- **مدت ازدواج**. بیشتر تحقیقات روی سال های اول ازدواج بوده اند. کارنی⁶ و برادبوری (1997) دریافتند که میانگین نمره های رضایت زناشویی در چهار سال اول ازدواج برای هر دو زوج کاهش یافته است و تغییر زیادی داشته است. کوردک (1998) بیان می کند که زوجینی که از هم جدا شده اند نشان می دهند که در

¹ - McLeod

² - Burman, B. & Margolin

³ - Larson, Wilson, & Beley

⁴ - Conger, Elder, Lorenz, Conger, Simons, et al

⁵ - Kinnunen, & Pulkkinen

⁶ - Karney

واقع تغییر فوری را در کیفیت زناشویی داشته اند. این گفته ها که ازدواج ها منجر به بهبودی می شوند توسط اکثر تحقیقات حمایت نشده اند. تعدادی از مطالعات بیان کرده اند که کیفیت زناشویی در اوایل کاهش می یابد و بعد از مدتی افزایش می یابد (گلن، 1990).

2- **تعامل ها.** لویز و اسپانیر (1979) گزارش کردند که توجه مثبت، ارتباط موثر و فقدان تعارض نقش منجر به کیفیت زناشویی بالاتر می گردد. گاتمن، کان، کارر و اسوانسون¹ (1998) مشاهده نمودند که فرایند های تعامل زناشویی پیشگویی کننده رضایت و ثبات زناشویی است.

3- **تقسیم کار.** اختلاف در تقسیم کار منزل یک عامل نارضایتی است. ویلکی، فری و راتکلیف² (1998) دریافتند که شوهران با نگرش های قراردادی تر وقتی که زنان شان شاغل هستند ممکن است سطوح پایین تری از رضایت را گزارش کنند. ادراکات از برابری تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر روی تقسیم کار و کیفیت زناشویی دارند.

4- **کیفیت زناشویی همسران.** راسل و ولز (1994) نشان دادند که کیفیت زناشویی همسران تأثیر نیرومندی بر روی کیفیت زناشویی دارد. آن ها همچنین بیان کردند که یکی از عوامل موثر کیفیت زناشویی همسران تأثیر قابل توجه کیفیت زناشویی یکی از همسران روی دیگری است.

ج. عوامل بیرونی در رابطه

مشخصات والدین. آماتو³ و بوت (1997) گزارش کردند که وقتی ناسازگاری زناشویی والدین بالا باشد تا وقتی که والدین طلاق گرفته اند، فرزندان دارای کیفیت زناشویی بالاتری هستند. اما وقتی که تعارض و ناسازگاری پایین است، طلاق والدین موجب کاهش کیفیت زناشویی فرزندان می شود.

¹ - Gottman, Coan, Carrere, & Swanson

² - Wilkie, Ferree, & Ratcliff

³ - Amato

بیان مسأله

روابط زناشویی اغلب به عنوان منبع اصلی حمایت اجتماعی فرد تعیین شده است (مارگولین و بورمن، 1992، به نقل از گوین،¹ 2009). اهمیت این روابط نیز بیانگر این واقعیت است که، افراد متأهلاًسیب ها و مرگ و میر کمتری نسبت به افراد مجرد دارند، و اینکه ازدواج های آشفته و مشکل دار با سلامت پایین تر و ضعیف تری همراه است (کیکولت-گلاسر و نیوتن، 2001).

کیکولت-گلاسر و نیوتن (2001) بر اساس ادبیات 10 سال قبل درباره کیفیت زناشویی و سلامتی نشان دادند که زنان ممکن است بیشتر از مردان در معرض آسیب زناشویی باشند. از سوی دیگر، یافته ها نشان می دهند که بین خوشبختی زناشویی و شادی برای زنان نسبت به مردان همبستگی قوی تر دیده می شود (گلن و ویور،² 1981، به نقل از تراکسل، 2006).

از این رو کیفیت زناشویی پایین نیز پیش بینی کننده قوی عوامل روانی - اجتماعی گوناگونی از جمله افسردگی، خصومت و خشم است که می تواند منجر به بیماری هایی مانند، بیماری های عفونی، بیماری های قلبی - عروقی و برخی سرطان ها شود (سالس و باندی،³ 2005).

از سوی دیگر، ایدئولوژی های جنسیتی محصول دوران کودکی و تجربه های بزرگسالی است. اساساً این سازه را متناسب با ایده های افراد درباره نسبت دادن وظایف مختلف برای زنان و مردان و اینکه تا چه حد آنها در نظر مردان و زنان متفاوت از یکدیگر هستند، در نظر گرفته می شود (کولتران،⁴ 2000).

نمونه هایی از راهبرد های جنسیتی، مذاکره ها و منازعه ها هستند. بنابراین در چهارچوب روابط زناشویی و شیوه ای که در آن تصمیم های زناشویی گرفته می شوند، هر یک از این دو (مذاکره ها و منازعه ها) به صورت آشکار یا نهان، می توانند اثر زیادی بر روی کیفیت ازدواج بگذارند (راجرز⁵ و آماتو، 2000).

سازه دیگری که می تواند کیفیت زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد، هوش هیجانی است. هوش هیجانی یکی از جدیدترین تحولات در زمینه فهم ارتباط میان تفکر و هیجان است. این اصطلاح اولین بار از سوی سالوی و مایر⁶ (1990)، به نقل از حدادی کوهسار، روشن و اصغرنژاد، (1385) پیشنهاد شد، که شامل

¹ - Guoin

² - Weaver

³ - Suls , & Bunde

⁴ - Coltrane

⁵ - Rogers

⁶ -Salovey , & Mayer